

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۹ اردی بهشت ماه ۱۳۲۲

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تصویب لایحه آبیاری
- ۳ - مذاکره در فوریت لایحه انحصار بنه و استرداد فوریت
- ۴ - شور اور لایحه تعلیمات عمومی
- ۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز سه شنبه ۲۷ اردی بهشت ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

۱۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای منشور

مهندسین و از طرف آقای وزیر کشاورزی وعده داده شد که به بکارشان رسیدگی کنند ولی باز می بینیم معطلند و کارشان معطل مانده در عهد جای دنیا معمول است . . .

منشور - در همه دنیا معمول است که مذاکرات مجلس شورای ملی برای اطلاع عموم بطور مفضل و مشروح در جراند رئیس - اگر شما در صورت مجلس نظری دارید نظر خودتان را بگوئید چرا نطق میکنید؟

جمعی از نمایندگان - این مطالب که بصورت مجلس مربوط نیست منشور - شما اگر کمی صبر کنید بصورت مجلس مربوط میشود .

منشور - عرایض در صورت مجلس است . اجازه میفرمائید عرض کنم مذاکرات مشروح و مفصالی که در جلسه گذشته این جا شد بهیچوجه در روزنامه ها نوشته نشد و همه علاقمندان مطالب را بدانند من جمله یک قسمت مذاکراتی شد راجع به

طوسی - آقا این که در صورت مجلس نوشته شده . منشور ... اگر مفضل تر باشد و منتشر شود همه استفادۀ خواهند نمود مقصود این است که اگر دقت کنند که این صورت

این مذاکرات مشروح یکصد و شصت و دومین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مذکران قانون گذران ۱۱۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائب با اجازه - آقای فاطمی
- غائبین بی اجازه - آقایان : مسعودی خراسانی - دکتر سیمعی - تولیت - سزاوار - گودرز نیا - مشار - مشیردوانی - شجاع - اکبر مهنبد - چلانی - دستانی - صادق وزیرری - شباهنگ - مسعودی - مستشار - کامل ماکو - نصر تیان - گبو - بوداغبان - یمین اسفندیاری - دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : منصف - مهدوی - لبقوانی - خسروشاهی .

مجلس مفصل نوشته شود رفع اشکال میشود

رئیس - آقای شهردوست

شهادت - راجع به مرخصی آقای مشار که در جلسه

گذشته تصویب شد خواستم عرض کنم ابتدای مرخصی ۲۲

اسفند اشتباه است باید به ۲۷ اسفند اصلاح شود

ناوسی - همینطور راجع به مرخصی آقای اردبیلی هم

یک اشتباه دو روزه که قبل و بعد شده اگر موافقت بفرمایند

هر دو فقره اصلاح شود (صحیح است)

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته - خیر)

صورت مجلس تصویب شد.

۲- تصویب لایحه آبیاری

جمعی از نمایندگان - دستور

رئیس - لایحه آبیاری تمام شد و کلیاتش هم تمام شد

باید رأی بگیریم. رأی میگیریم آقایانیکه با مجموع لایحه

موافقت دارند ورقه سفید میدهند

(اخذ اراء بعمل آمده ۷۱ ورقه سفید و دو ورقه

کبود تعداد شد)

رئیس - عده حاضر ۹۲ با هفتاد و یک رأی تصویب شد

۳- مذاکره در فوریت لایحه انحصار

پنبه و استرداد فوریت

رئیس - بطوریکه خاطر آقایان مسبوق است در جلسه

گذشته لایحه تعلیمات عمومی جزو دستور بود (صحیح

است) بعد آقای وزیر کشاورزی یک لایحه دادند و تقاضای

فوریت کردند اگر چنانچه مصلحت میدانید لایحه پنبه است

و جزو دستور بشود که اول این لایحه را بگذرانیم بعد وارد

لایحه تعلیمات بشویم .

(بشرح زیر قرائت شد)

مجلس شورای ملی بظنر باینکه قانون بودجه سال ۱۳۲۲

بموجب تصویب مجلس شورای ملی تا آخر خرداد ماه هذمه السنه

۱۳۲۲ بقوت خود باقی خواهد بود و نظر باینکه تبصره یک

و دو ذیل ماده ۵۱ راجع به نرخ خرید پنبه و وش و جوزقه

بعلاوه آنکه اعتبار آن قریباً منقضی خواهد شد و افی از

پیشرفت منظور دولت نسبت به بهبودی اوضاع کشت پنبه

و جمع آوری و اداره کردن آن نیست باین جهت طرح قانونی

بیوست را تقدیم و تقاضای تصویب آنرا دارند .

ماده ۱ - مجلس شورای ملی انحصار خرید و فروش

تهیه وارد نمودن صادر کردن ، پخش نظارت در کشت ،

مصرف پنبه و اجازه تأسیس کارخانه پنبه پاک کنی نظارت در

بهره برداری آنرا در تمام کشور بدولت واگذار مینماید .

تبصره - دولت میتواند اجازه ورود پنبه از کشورهای

خارج را ببازرگانان بدهد .

ماده ۲ - دولت مکلف است منتهی تا آخر شهریور ماه

هر سال با در نظر گرفتن ارزش سایر محصولات زراعتی بهای

خرید پنبه و وش و فروش داخلی پنبه و فروش تخم پنبه علوفه

و بذری را تعیین و برای آگهی عموم اعلان نماید .

ماده ۳ - آئین نامه راجع به تعقیب متخلفین از مقررات

انحصار و مرتکبین قاچاق از طرف بنگاه کل پنبه تهیه و پس

از تصویب هیئت دولت بموقع اجرا گذارده میشود .

ماده ۴ - تأمین احتیاجات محلی کشاورزان و احتیاجات

پنبه کرباس بافان و اصناف جزء از قبیل حلاج ، طناب باف

زیلو باف و غیره با بنگاه کل انحصار ایران است .

ماده ۵ - کلیه مقررات موجود مربوط بانحصار پنبه از

تاریخ تصویب این قانون ملغی است .

ماده ۶ - بنگاه کل پنبه با استفاده از ماده ۴ قانون

متمم بودجه سال ۱۳۲۱ سازمان خود را تشکیل و معاملات

- اسامی رأی دهندگان - آقایان : منشور - هدایت الله بالیزی - فرشی - نجبر فرهمند - ناهید - دکتر قزل ایاغ - محیط - شیرازی -
- معینی - اوحدی - افخمی - مؤید قوامی - افشار - مهدوی - دکتر غنی - اقبال - ملکزاده آملی - رفیعی - نائینی - ذوالقدر - دکتر طاهری -
- عطاء الله بالیزی - چایچی - مستشار - دکتر تاجبخش - نفا الاسلامی - رهبری - شاهرودی - فتوحی - اصفهانی - رضوی - دشتی - دکتر ادهم -
- فریدونی - دکتر سنگ - امامی - عزیزی - هدایت - معتضدی - دکتر ضیاء - ملایری - مکرم افشار - منصف - هراز - دولت شاهی - نواب
- یزدی - صفوی - معذل - دهستانی - ملک مدنی - لاریجانی - گرگانی - ابراهیمی ریگی - ناصری - امیر ابراهیمی - ساکلبان - فرخ - پناهی -
- هاشمی - طوسی - اصفهانیان - مجدذیانی - مؤید احمدی - مقدم - یار احمدی - طالش سمعی - دادور - سید یعقوب - فرمانفرمایان - سمعی -
- سفاری - ورقه کبود طباطبائی - نوبخت - سفید یک

خود را طبق اصول بازرگانی انجام خواهد داد .

ماده ۷ - وزارت کشاورزی مأمور اجرای این قانون

است .

رئیس - فوریت لایحه مطرح است . آقای امیر تیمور

فرمایشی داشتید ؟

امیر تیمور - بنده با فوریت لایحه مخالفم .

رئیس - بفرمائید .

امیر تیمور - بنده با فوریت این لایحه مخالفم . اول این

لایحه بهیچوجه ارتباطی با وزارت کشاورزی ندارد یک

لایحه است که دولت میخواهد پنبه را در انحصار خودش

قرار بدهد و خودش در داخله خرید و فروش و با تجارت

آن را در دست بگیرد و این مسئله مربوط بوزارت

کشاورزی نیست مربوط بوزارت تجارت است از این گذشته

این را هم عرض کنم از موقعی که شما بوزارت کشاورزی

تشریف برده اید منظور و مقصودتان این است که بکشاورزی

ایران کمک کنید این را بنده اعتراف میکنم ولی قطع دارم

این لایحه شما بضرر کشاورزی ایران است و بضرر زراعت

پنبه در ایران تمام میشود من خیلی دلم میخواهد که

جنابعالی که وزیر کشاورزی هستید این لایحه را موقعی

که به مجلس شورای ملی می آوردید واقعا از گذشته سؤال و

تحقیق می کردید که از وقتی که پنبه در انحصار در آمده

است مقدار زراعت آن چقدر ترقی کرده است یا چه مقدار

نکس پیدا کرده است اگر در مقام تحقیق برمی آمدید خود

جنابعالی یک چنین لایحه را بمجلس شورای ملی نمی آوردید

و در این جا از همان نظر ترقی و حفظ کشاورزی ایران

اعتراف میکردید که حتماً این عمل دولت بضرر پنبه ایران

تمام خواهد شد ، عرض کنم این لایحه که وزارت کشاورزی

امروز بمجلس شورای ملی تقدیم کرده است در تحت تأثیر

دو عامل بوده است یکی این که یک عده کارخانجات نخریسی

و پنبه پاک کنی هستند که میل دارند که یک عامل مهمی

مثل دولت داشته باشند که توی سر زارع بزند و همه پنبه را

با یک قیمت بخشی از دست آنها در بیاورد و با یک قیمت

کمی هم بآنها بدهد و تقدیر آقایان بکنند و آنها آن را

با یک قیمت گزافی بصورت نخ در آورده و چندین

مرتب از قیمتی که از زارع خریده شده بیشتر و بوسیله

دولت این پنبه خرید و فروش بشود و اینها از برای

محسن و فواید انحصار پنبه و مزایای آن برای جنابعالی

کتابها می خوانند و از صبح تا غروب هر بقه شمارا میکشند

که باید اینطور بشود اینطور بشود از این گذشته

از وقتی که یک اداره دولتی بنده اداره پنبه در وزارت کشاورزی

درست شد و احداث شد و در این اداره هر صد ها اشخاص

بیکار دارند زندگی میکنند والبته از مزایای انحصار پنبه

برای جنابعالی هی ارتیکل ها ذکر میکنند و کتابها میخوانند

که انحصار پنبه چنین است و چنان است

طباطبائی - اصل لایحه مطرح است یا فوریت ؟

امیر تیمور - بنده میدانم که در فوریت چه چیز عرض

کنم . در فوریت دارم عرض میکنم و دلایلم آمیکویم عرض

کنم این عمل واقعا اگر بشود یعنی اگر انحصار پنبه ادامه داده

شود باعث میشود که زراعت پنبه در ایران از بین برود که این

در این چندسال چندین مرتبه نکس پیدا کرده است فرض

بفرمائید قبل از اینکه پنبه در انحصار دولت در بیاید عمود

خراسان سالی شاید به ۹۰ هزار عدل میرسید و الان تحقیق

بفرمائید به ۳۰ هزار عدل رسیده است و این در اثر همین

عملیات و معاملات دولت است با آنها یعنی بازرگان و دیگر

رعیتی باقی نمانده است ممکن است این را که عرض میکنم

تحقیق بفرمائید ما احصائیه بخواهید که حقیقت امر بنظر

جنابعالی برسد علاوه بر این این که شما یک فوریت را

خواسته اید یک فوریت از روی ندارد برای اینکه الان موقع

برداشت پنبه نیست که شما عجله داشته باشید تازه مشغول

کشت هستند و در بعضی جاها هم کشت شان تمام شده

است از ۲۰ فروردین شروع میشود کشت پنبه و تقریباً

تا هفتم فروردین این کشت پنبه ادامه پیدا میکنند و موقعی

که محصول پنبه بدست می آید در ماه مهر و آبان خواهد بود و

چندین ماه وقت خواهیم داشت برای برداشت پنبه پس من

تمنی میکنم برای اینکه مجال باشد که وزارت کشاورزی در این کار مطالعات صحیحی بکند و مجال هم باشد که آقایان نمایندگان محترم و مخصوصاً کمیسیون بودجه از تمام اکناف و اطراف اطلاعات لازم را بدست بیاورد و تحقیق کند این لایحه دوشوری باشد و سر عادی و طبیعی خودش را در مجلس پیدا کند و فوری نباشد مصلحت مملکت هم اینطور اقتضاء میکند و استدعا میکنم آقای وزیر کشاورزی هم موافقت بفرمایند چون شش ماه دیگر وقت داریم و این را استدعا میکنم.

وزیر کشاورزی (آقای اعتبار) - عرض کنم انحصار پنبه یک چیز تازه نیست الان هم در انحصار دولت هست دولت هم عمل بانحصار میکند چون مدت قانونی تمام میشود برای اینکه ما قانون را تمدید کنیم این قانون را تقدیم داشتیم البته این فرمایش آقای امیر تیمور بیشتر مورد داشت که در خود اصل لایحه میشد و این را میگذاریم برای همان موقع که بحث بشود آنوقت دلایل و جهاتی که مورد نظر وزارت کشاورزی بوده بعرضشان میرسانم و اگر پنبه نکس پیدا کرده است فقط روی محدود بودن قیمت پنبه است و این را در قیمت اینطور قرار دادیم که مثل سایر زراعتها و به نسبت سایر زراعتهایی که داریم بهمان نسبت میخریم که محدود نباشد بهر قیمت که واقعاً ارزش بازار را دیدیم فلانقدر است بهمان قیمت میخریم و چون آقای امیر تیمور همیشه این نظر را داشته اند که هر محصولی را اگر میخواهید قیمتش افزایش پیدا کند روی محصول و موضوع مؤثر است بنده هم تصدیق میکنم که باید قبل از وقت اینکار بشود و باید این قانون قبل از وقت بگذرد که مردم بدانند که قیمت پنبه آنها هم به قیمت آزاد خریدده میشود یعنی هر مبلغ سایر محصولات ما در بازار قیمت داشته باشد بهمان نسبت هم ما پنبه را میخریم و مردم بدانند و البته با توجهی که آقایان دارند و با این عرایضی هم که بنده میکنم مردم مستحضر میشوند از این جهت بنده موافقت میکنم یک فوریت لایحه را مسترد میکنم که برود بکمیسیون ولی از آقایان تمنی میکنم که

قبل از موقع مقرر این لایحه تمام شود و زودتر بگذرد.
امیر تیمور - واقعاً بنده تشکر میکنم.

[۴ - شور اول لایحه تعلیمات عمومی]

رئیس - لایحه تعلیمات عمومی مطرح است. گزارش کمیسیون فرهنگ و بودجه خوانده میشود:
گزارش از کمیسیون فرهنگ بمجلس شورای ملی
کمیسیون فرهنگ لایحه شماره ۳۶۶۸۱ دولت راجع بآموزش و پرورش عمومی را در جلسات متعدد با حضور آقای وزیر فرهنگ مورد شور قرار داده و پس از اصلاحاتی با موافقت حاصل شده اینک گزارش آن برای شور اول تقدیم میشود.

گزارش از کمیسیون بودجه به مجلس شورای ملی
لایحه شماره ۳۶۶۸۱ دولت راجع به تعلیمات اجباری در کشور از لحاظ قسمتهای مالی آن با حضور آقای وزیر فرهنگ در کمیسیون بودجه مطرح و گزارش شور اول کمیسیون فرهنگ مورد شور و مطالعه قرار گرفته با توضیحات مفصلی که آقای وزیر فرهنگ دادند ماده ۸ گزارش کمیسیون بشرح زیر اصلاح و ماده ۹ آن حذف گردید.

ماده ۸ - دولت مکلف است همه ساله اعتبارات لازم را در بودجه کل کشور برای ساختمان و تأسیس و نگاهداری دبستانها و تربیت آموزگار و بطور کلی تأمین اجرای این قانون در مدت مقرر پیش بینی نماید.

تبصره - ساختمان همه دبستانها مطابق نقشه هائی خواهد بود که مهندسین مخصوص وزارت فرهنگ باید متناسب با آب و هوا و موقعیت نقاط مختلف کشور تهیه نمایند.

البته با حذف ماده ۹ ماده ۱۰ ماده ۹ گردیده و همینطور سایر مواد بترتیب یک نمره کسر خواهد شد نسبت بمواد ۱۳ - ۱۵ - ۱۶ که جنبه مالی داشت کمیسیون بودجه موافقت خود را اظهار و اینک نظریه خود را بعرض مجلس شورای ملی میرساند

رئیس - مذاکره در کلیات است آقای طباطبائی.

طباطبائی - وقتی که این لایحه به مجلس شورای ملی

آمده بنده از یکی از وزرای کابینه سابق (چون این لایحه در آن کابینه تنظیم شد و به مجلس شورای ملی آمد) استفساری نمودم و مختصر مروری کردم واقعاً اسباب تعجب من شد که چطور ممکن است که یک دولتی در یک همچو موقعی بیاید و لایحه باین شکل برای معارف مملکت تنظیم کند و بمجلس شورای ملی بیاورد خلاصه از یکی از وزرای کابینه سابق پرسیدم که این لایحه چطور تنظیم شد و چرا آمد. او گفت بعد از وقایع ۱۷ آذر و آن لوطی بازی که راه افتاده بود کابینه فکر کرد که در واقع یک تظاهری بشوند و یک حرف ملامت طبعی بپندارند بدست و مال مردم به وزارت فرهنگ گفتند که بروید لایحه بنویسید برای تعلیمات اجباری که خوبست همه مردم با سواد بشوند و سواد هم چیزی است در نتیجه یک چنین لایحه را نوشتند و آوردند و یک دفعه هم در هیئت خوانند و آن روز و تمام شد نه درس بحث شد و نه کسی در آن حرف زد و نه مطالعات کاملی شد و نه سوابقی داشت این فکر عجیبتر از آن کابینه این کابینه است که باز خدا پند آن کابینه را بفرمزد که این را یک دفعه خوانده است توی هیئت ولی این کابینه هیچ آراهم نخواندند و الان خواستم از آقایان وزراء پیرسم که راستی این لایحه چند ماده است در حضور آقایان عرض میکنم که نخوانده اند و نه اطلاع دارند و نه خبری دارند همانرا که بود دنبال کردند و گفتند این لایحه در کابینه سابق بود و جنبه توأم فریبی و تظاهراتش هم قوی است خوبست و آمدند همان را تعقیب کردند اولاً به بینیم که آیا شما و درات شما مبتکر این فکر هستید و شما لایحه تعلیمات اجباری را آورده اید خوب این خودش یک حرفی است اگر واقعاً اینکار را کرده باشید و او نه پنخته و کز نکرده باز هم چون تعلیمات عمومی است خوبست این باز یک حرفی است ولی اینطور هم نیست در قانون اساسی معارف مصوب ۹ آبان ۱۲۹۰ این مطالب پیش بینی شده است و تصویب هم شده دیگر قانون مکرر نوشتن و تجدید قانون کردن چه لطفی دارد و من الان دوسه ماده را برای جلب توجه آقایان میخوانم:

ماده ۳ - تعلیمات ابتدائیه برای عموم ایرانیان اجباری است
ماده ۴ - طریق تحصیل آزاد است لیکن هر کس باید آن اندازه از معارف را که دولت برای درجه ابتدائی معین نموده تحصیل کند.

ماده ۵ - هر کس مکلف است اطفال خود را از سن هفت به تحصیل معارف ابتدائیه وادارد اعلم از اینست که در خانه باشد یا در مدرسه

بنابر این ملاحظه خواهید فرمود که این قانون نازکی ندارد که مبتکر یک فکر و آرزوی تازه شما باشد این قانونی

بوده است که سی سال پیش در سال ۱۳۲۹ قمری که حالا ۱۳۶۲ است گذشته و متجاوز از سی و یکسال است که تصویب شده است پس شما یک کار تازه نکرده اید اما از لحاظ قانون اگر شما میخواستید اجازه داشته باشید که این قانون بود تعیین شده بود این منظور حالا این یک قانونی است که نوشته شده و خیلی بی روح است اگر مطالعه بفرمائید یک تعارفی پیش نیست ضمناً یک اغراض هم این تو تأمین شده است اینکه عرض میکنم اغراض مقصودم نه عرض سوتی است بلکه یک اغراض اداری در آن تأمین شده است و نوشته شده و در ضمن مواد این لایحه آن اغراض را هم تأمین کرده اند و نان بهم قرض داده اند معارفی ها. البته بنده که اینجا صحبت از معارف میکنم باز چند تا مغرض پیدا نشوند در خارج که بگویند طباطبائی با درس خواندن و با معارف مخالف است هیچ احدی آیا پیدا میشود در دنیا که این اندازه شعور نداشته باشد که بدانند پایه زندگی بر روی علم و معرفت است و یک وقتی هم اینجا از معارف صحبت کردم گفتم آقا شما باید همه چیزتان را فدای یک اداره تعلیمات عمومی بکنید این را گرفتند و گفتند فلانی با معارف مخالف است. حالا هم میگویم آقا این همه مدیر کل معاون و منشی و ماشین نویس و این اوضاع را که بر پا کرده اید لازم نیست آن روز گفتم حالا هم میگویم اگر آقا بخواهید که معارف حقیقی داشته باشید معلم و کتاب و جا برای اطفال تهیه کنید که بیایند آن جا بنشینند و تحصیل کنند . . .

وزیر پست و تلگراف و تلفن - شما با کتاب هم که مخالف بودید

طباطبائی - با کتاب ؟

وزیر فرهنگ - بلی با حق التالیف مخالف بودید با کتاب هم مخالف بودید .

طباطبائی - صحیح ؛ البته با حق التالیف و با آن قسمت مخالف بودم که وزارت معارف پول بدهد بفلان روزنامه و بگذارند بحساب مملکت که برو از من تعریف کن بمن اجازه بدهید بیایم بوزارت معارف این کارهایی را که شما باسم قانون بانوان باسم پرورش افکار باسم همین حق التالیف

انوار - ایشان که نکرده اند

فریدونی - ایشان که نکرده اند

هاشمی - بلی ایشان که نکرده اند

طباطبائی - وزارت فرهنگ را میگویم مجلس شورای ملی بمن اجازه بدهد من اینها را بیایم در وزارت معارف بیرون بیاورم پول مملکت را بردند و ریختند دور اینها را در بیاورم که بدینیم شما چه کرده اید شما یعنی وزارت فرهنگ تا معلوم شود که چه کرده اید والا هیچکس با تالیفات مفید نسبت بحال مملکت مخالف نیست . من اول عرض کردم هر اندازه و هر قدر آدم بی شعور باشد آیا ممکن است که جرأت بکند و بگوید من با کتاب یا معارف مخالفم ؟ آقا مسائل دو جور که بیشتر نیست يك قسمت مسائل نظری است که البته احتیاج بمطالعه دارد استدلال می خواهد و مشکل است رساندنش يك قسمت هم مسائل بدیهی و ضروری و پیش پا افتاده است کسی با معارف بامدارس با کتاب خوب با تالیفات خوب با تربیت خوب با نشریه خوب مخالف است ؟ وقتی که میگویند این کار را بکنید یعنی پول مملکت را بهدر ندهید برای آن قسمتهائی است که شما وارد هستید و می دانید که پولها را کجا میریزید و پول خرجی میکنید والا اگر وزارت فرهنگ يك پولی داده است و تالیفات مفیدی هم برای مملکت تهیه شده است این کسی کار خوبی است و کسی که منکر نیست . عرض کنم که حرف من يك بحث اصولی و اساسی است که ما به بینیم علاج فقر و فاقه يك مملکت و يك ملت چه چیز

بمدرسه و تأمین کرده اید درس خواندن آنها را ؟ وقتی که اینها را تأمین کردید آنوقت نوبت میرسد یکسانی که خودشان حاضر هستند بجهایشان را بمدرسه بیاورند . الان بیائید در همین پای تخت دست تن را بگیرم و پیاده ببرم در خیابانهای شهر و همین جلو خیابان شاه آباد و بهارستان به بینید که بچه باسروپای برهنه تخت و نور سر کول هم میزنند و بد اخلاقی می کنند و همبطور ... و بلان توی خیابانها هستند بیائید بشما نشان بدهم لطفاً را که الان برای امتحانات خودشان همینطور از تهران از شهرستانها در اینجا معطل و سرگردان مانده اند و نمی دانند چه بکنند سرف نظر از اینکه تازه با این وضع معارف و تعلیمات آن اگر وارد امتحانات شما بشویم آنگاه آنرا که شما بهشان تصدیق میدید آیا واقعا سزاوار تصدیق هستند ؟ اینها درس خوانده اند الان شما اجازه بدهید که امتحانات شما را من بکنم نمره را من بدهم اگر بکنفر قبولی داشت توی صد نفر ؟ آن هم با این وضعی که امسال پیش آمده شما آقا از شب عید از پیش از عید از اسفند ماه مدارس تان تعطیل است اینها کی درس خوانند ؟ کجا درس خوانند ؟ بعد از شهر یوز ماه هم که شروع کردید تا یکماه یکماه و نیم مدرسه کلاس دانه نبود تا معلم بیاید تا نایر گرام بنویسید تا این کارها را بکنید تا بیایند و بنشینند که دو ماه گذشته آنوقت در ظرف سه چهار ماه آقا چطور میشود پر گرام يك ساله را بيك نفر شاگرد هشت ساله و ده ساله آموخت و چطور در ظرف این مدت کم این درس نه ماه را می خواند و فرا میگیرد ؟ (صحیح است) بلی . اگر واقعا شما از این مرحله گذشته بودید یعنی معارف فعلی شما و تعلیمات فعلی شما و پر گرام فعلی شما پر گرامی که حالا دارید این را از عهده بر آمده بودید و انجام داده بودید و صحیح بود و اینجاها دیگر عیبی نداشت آنوقت جا داشت که بیائید این قانونی را که تصویب شده است اجرا کنید نه اینکه يك قانونی را که قبلاً بوده و تصویب شده سی و یکسال پیش از مجلس گذشته مکرر کنید و وقت خودتان و مجلس را بگیرید . عرض کنم ماده سوم را ملاحظه بفرمائید ... این عرایضی که کرده

مربوط بوده بماده اول و دوم این لایحه . ماده سوم میگوید آموزش و پرورش در دبستانهای دولتی در تمام کشور مجانی است و هیچ عنوان نباید از دانش آموزان وجهی مطالبه شود . مگر مدرسه دولتی پول بگیرد از مرده ؟ مگر شما دار بدلك مدرسه دولتی که از مردم پول بگیرند ؟ همه مجانی است .

مؤیداحمدی - دبستانها مجانی است وانی در دبستان پول میگیرند .

نبیل سمعی - بلی در دبستان نمیگیرند .

طباطبائی - بنده هم دبستان را میگویم جای دیگر را نمیگویم در دبستان که پول نمیگیرند (صحیح است) مدارس ابتدائی دولتی همه اش مجانی است . خوب مگر پول میگیرند که اینجا نوشته اید مجانی است ؟ عرض کنم که شبیه این قانون و مشابه این قانون نظام وظیفه اجباری است این دو تا با هم خیلی شبیه هستند این ماده بخصوصی را که بنده میخوانم نه اینکه آن قانون واقعا بد است . خیر اساس فکر صحیح است در اصل فکر کسی حرف ندارد مملکت اگر باید انتظام داشته باشد امنیت داشته باشد قشون لازم دارد . حالا این ماده بخصوصی را که بنده میخوانم نه اینکه عرض کردم در اساس آن فکر مخالف باشم . گفتم مملکت اگر استقلال میخواهد امنیت میخواهد سعادت میخواهد سیاست میخواهد صحت میخواهد بالاخره قشون میخواهد قشون هم بالاخره با بهترین طرز آنچه که دنیا رویش عمل کرده همان طریقه نظام وظیفه است برای اینکه کم خرج تر است و عمومی است و بیشتر رعایت عدالت درش شده است البته اینها همه صحیح و منطقی و درست است ولی طرز اجراء را ملاحظه بفرمائید که این قانون و این فکر را چطور عملی کردند ؟ خود وزارت جنگ بالاخره ناچار شد لایحه اصلاح آنرا آورد بمجلس و خودشان بستوه آمدند از دست طمع و زریها و کیسه پر کنی که مأمورین سوء از این راه در ظرف این بیست ساله معمول داشته بودند (صحیح است) حالا مقصود عرض این است که شبیه او هم يك رخنه دیگری در زندگی مردم بمسئله عمل عالی جنابانه تری (یعنی معارف) پیش آورده اند و آن ماده ۶ این لایحه است

که الآن میخوانم (هر گاه ولی طفل در موعد مقرر بدون داشتن عذر موجه طفل خود را برای تحصیل منظم دبستان نسیار علاوه بر اینکه مجبور است غفلت خود را جبران کند بحسب تادیبی از يك الی شش ماه و پرداخت مبلغی از ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال محکوم میگردد. باز اول معر که است آقا. يك عده میافتنند توی دهات توی قراء توی قصبات و مردم را ناراحت میکنند (صحیح است) پدر مردم را در میآورند (صحیح است) که چرا توفلت را بمدرسه نفرستادی (صحیح است) ماده ۸ در ضمن اینکه تعلیمات عمومی را میخواهد درست کند وضع مالیات هم کرده و يك باز تازه هم علاوه بر بارهای سنگینی که بوده است بدوش مردم اضافه کرده اند **وزیر فرهنگ** - آن ماده عوض شده است. ماده ۸ را کمیسیون بودجه عوض کرده اند ملاحظه فرمودید.

طباطبائی - این لایحه که الآن در دست بنده است که الآن میخوانم این جووری است که وضع مالیات کرده است حالا عوض کرده اند و يك راپرت دیگری از کمیسیون دیگر داده اند و آنرا تغییر داده اند من که ندیده ام (خطاب به پیشخدمت) بیا آن لایحه را بنده به بینم. بلی. علی ایحال عرض کنم که تا حالا فرمول شما برای تدریس در مدارس ابتدائی این بود که از دانشسراها معلم میگرفتید و دوره این دانشسرا یعنی دارالمعلمین دوره تحصیلش یازده سال بود.

هاشمی - سه سال.

طباطبائی - نه آقا. جمعا عرض میکنم ده سال یازده سال یکنفر باید برود این دوره را طی کند تا شما باو اجازه بدهید که بیاید توی کلاس و بتواند چهار تا طفل شما را اداره کند تعلیم بدهد و تربیت کند حالا چون وسائل ندارید و يك کاری را که قبلاً بایستی کرده باشید نکرده اید چکار کرده اید؟ آمده اید و بالاخره میگوئید يك نفری که شش سال ابتدائی را خوانده است او را ببریم معلم دبستان بکنیم. آخر انصافاً آن کسی که شش سال ابتدائی را خوانده است بدردم معلمی میخورد؟ آیا این میتواند معلم باشد؟ این میتواند طفل برای این مملکت تربیت کند! يك قسمتی

هم عرض کردم در این لایحه که تأمین بعضی از فکرها شده است. مربوط به ماده ۱۳ این لایحه است که آنجا هم ملاحظه میفرمائید بيك عده اشخاص با تصویب این لایحه اجازه خواهند داد که دارای يك اضافاتی بشوند دوست و پنجاه تومان سیصد تومان چهارصد تومان پانصد تومان بيك عده اضافه داده شود خوب اگر چنانچه حالا یکنفر پانصد تومان میگیرد مجلس رأی بدهد که نهصد تومان بگیرد معارف مملکت اصلاح میشود؟ همه با سواد میشوند؟ معارف معنایش این است؟ در آخر تبصره دوم ماده ۱۳ مطالبی مینویسد و بعد نوشته شده که این اشخاص موظفند تمام اوقات رسمی را بخدمات مرجوعه صرف نمایند و بهیچوجه حق اشتغال در بنگاههای دیگر دولتی و غیر دولتی نخواهند داشت. خوب شما الآن آن اشخاصی که هستند معلمینی که هستند دکترهایی که در ادبیات و روان شناسی دارند آیا اینها واقعا درس میدهند مثلاً تا میزان يك ساعت شما برای آنها درس معین کرده اید و باقی وقت را بلا تکلیف هستند از این چهار تا دکتر در ادبیات و روانشناسی یکی درستاد ارتش آمریکائی ها کار میکند و يك دکتر روانشناس در راه آهن رفته و ناچار دارد کار میکند چند نفر دکتر را میخوانید بنده به آقا نشان بدهم و صورت اسامی شانرا برای تان بخوانم؟ که چه میکنند؟ و از طرفی خودتان هم که وزیر معارف هستید و چهار تا کرسی دیگر را هم اشغال کرده اید هم استاد دانشکده هستید هم رئیس دانشکده هستید هم وزیر معارف هستید و هم در جای دیگر هستید شما آقا لازم بود بجای این لایحه توجه عاجل و بذل جهدی میکردید که مدارس و معارف فعلی مملکت ما اصلاح بشود. آقا مدارس فعلی ما از دو سه جهت احتیاج باصلاح دارد اولاً عرض کردم و خود آقایان هم شاهد هستند که این مدارس گنجایش پذیرفتن داوطلبان فعلی را هم ندارد و چه در خود تهران و چه در ولایات عده زیادی هستند که خودشان بدون اینکه اجباری و قانوناً جاری هم باشند اینها میخوانند اطفالشان را ببرند بمدرسه و اولیای اطفال این میل و این علاقه را

دارند ولی شما نمیپذیرید و رد میکنید نه معلم دارید نه جا دارید نه محل دارید نه کتاب دارید نه وسائل دارید بروید و سائل فراهم کنید که بچه ها توی کوچه ها و خیابانها جمع نشوند و از سرو کول هم بالا بروند توی تربیت باز بیایند و درس نخوانند گذشته از اینها وظیفه دیگری هم که دارید این است که محصلین را همانطور که اشاره کردم قائم بذات و متمکن بنفس بار بیاورید اینجا بدبختی این است که از روز اول آن شاگردی را که بکلاس اول دبستان میفرستند ولی طفل و خود طفل اینجور فکر میکنند که شش سال ابتدائی و شش سال متوسطه دوازده سال مدرسه برود بعد یکسوره بگیرد برود اداره یا یکخورده اگر وسائل کمتر داشته باشند میفرستیم او را بشرکت اینجور خوب نیست. يك کاری بکنید که اطفال بدردم مملکت بخورند یعنی يك ایمانی در مملکت نسبت بشخص خودشان یعنی اطفال ایجاد کنید و همچنین موضوع کتاب را که فرمودید درست توجه بفرمائید که چه عرض میکنم شما میروید پهلای گزافی میدهید که بروند مثلاً کتاب شخصیت مولوی را بنویسند آقا حالا وقت صحبت از شخصیت مولوی نیست (صحیح است) شخصیت مولوی با خودش هست با کسی است که بتواند يك بیت مولوی را بخواند و بتواند بفهمد (صحیح است) خوب شما بجای این که این حق التالیف و این پولها را صرف این کارها بکنید صرف اصلاح همین کتابهایی که دارید بکنید که بدردم بخورد مثلاً کتاب مینویسید اما طرز نوشتن را میدانید آقا چه جووری است؟ قیمت نوشتن کتاب را آورده اند روی صفحه و کلمات تعیین کرده اند یعنی چه؟ یعنی بنده که میخواهم يك احوال شریف را بوزارت معارف بنویسم این جمله دو سه تا کلمه بیشتری نیست آنوقت دو یا سه تومان باید به بنده بدهند. اما اینطور گفته اند که اگر تو این را توانستی ۲۰۰ یا ۳۰۰ صفحه بنویسی آنوقت ۳۰۰ برابر پول خواهی گرفت. نتیجه این کار این شده است که آن کسیکه پول زیادتر میخواهد يك چیزی مینویسد که ۳۰۰ صفحه باشد حالا محتویات آن کتاب بهم مربوط است و صحیح است یا چه معانی دارد آنها

بجای خودش و چرا از این در و از آن در شروع کرده است و اینکه از عهده بر میآید یا نه اینها يك مباحث علیحده ایست نتیجه این شده است که برای يك دوره فرض بفرمائید سه ماهه چهار ماهه که هر هفته دو زنك از این کتاها را این طفل باید بخواند يك ككتاب ۵۰۰ صفحه جلوش گذاشته اند. نویسنده زیاد نوشته تا زیادتر پول بگیرد. این طفل بجان شما همه آقایان هم اطلاع دارند که در تمام سال وقت ندارد که ربع آن کتاب را هم بخواند آخر آقا وقت نیست مدرسه ابتدائی است موفق نمیشود که ربع این کتاب را بخواند وقت نیست و مواد درسی هم زیاد است يك طفلی که از خیابان رد میشود زیر بغل او را خالی کنید ۱۵۰ چور کتاب دارد که هر کدام پانصد صفحه و چهارصد صفحه یا سیصد صفحه است! این معنی معارف است؟ اگر این منطبق صحیح است که هر چه وزن و مقدارش زیادتر است بهتر است پس بر میخوریم یا بیشتر خورار خور هر چه قیمتش زیادتر از يك قیراط بر لیان است تمام مدت را از دست آن کسی بدهید که بهتر میتواند چیزی بنویسد و بهتر کتاب طبع بکنند و دنبال را بهتر از اجناظ موقعیت و سن و وضعیت اطفال تنظیم بکنند باو بیشتر پول بدهید تا بیشتر در آن بیشتر نوشت پول باو بیشتر بدهید. بعد هم آن مصوبات فرهنگستان مگر اینها صورت قانونی دارد؟ مگر شما مجبورید هر کس هر چه نوشت آن را بگذارید توی کتابتان (هر روزی) یعنی چه؟ اگر هر کس از آقایان توانست این کلمه «هر روزی» را معنی کند؟ «کرشته تند» یعنی چه؟ یعنی زاویه حاده آخر حاده که بمعنی تند نیست خوبست شما این حق تألیف را ببرید صرف این کار کنید. شوشه یعنی چه؟ (یعنی آقای منشور) (خنده نمایندگان) در اصطلاح هندسی یعنی منشور. هر روزی یا هر روزی یعنی متوازی الاضلاع. مگر شما لغت ندارید بهتر از این نمیتوانید انتخاب کنید. شما که نمیتوانید این کار را بکنید و نمیتوانید انتخاب بکنید که جای هر کلمه کجا است چه علت دارد همانطوریکه عرب گفته نگوئید يك لغت مردمانی را از توی کور کشیدن و يك صورت دیگری بهش دادن چه معنی دارد

آیا این معارف است این فرهنگستان است؟ شعور فرهنگستان را به بینید چقدر بود که هر وقت لغتی وضع میکرد میفرستاد بهلوی شاه سابق که آن را تصویب کند. حالا ملاحظه کنید چه جور این تصویب درمی آمد.

وزیر فرهنگ - مقدمه باید عرض کنم که من برای خودم در تقدیم لایحه تعلیمات عمومی بمجلس هیچ هنری قائل نشده و مدعی ابتکار نیستم اگر نماینده محترم توجه فرموده بودند میدیدند که در مقدمه این لایحه مخصوصاً قید شده است که ملت ایران از روزی که قدم در جاده مدنیت گذاشته است متوجه بوده است که باید تعلیمات عمومی و اجباری بشود و باین نکته در قانون اساسی اشاره گردیده است. در قانون اساسی معارف هم چنانکه اشاره فرمودند این موضوع هست ولی عملی نشده است البته چند ماده مهم و کلی نمیتوانست بصورت عمل در آید و مسائل اجرای مقصود را بدست بدهد و بهمین جهت پس از سی سال هنوز عملی نشده است این موضوع اهمیتش خیلی بیش از آن است که برای خودتمانی و تظاهر در اطرافش بحث بشود معیناً من نمیتوانم خودداری کنم از اعتراف باینکه امروز یکی از سعیدترین ایام زندگی من است برای اینکه بیست سال بود این سودارا در سر داشتیم و این آرزو را در دل میپروراندم که روزی مجلس شورای ملی ایران در باب تعمیم تعلیم و تربیت وارد بحث و مذاکره بشود و برای ترقی حقیقی ایران پایه و اساس صحیح بریزد. این قسمت را که فرمودند یکی از وزرای کابینه سابق این کار را کرده است جداً تکذیب میکنم بدون اینکه بخوام خودستایی و هنرنمایی کرده باشم کسانیکه باینده آشنائی دارند و شاهد رفتار و گفتار من بوده اند میدانند که من در کنفرانسهای متعدد و در نوشته های مختلف خود در این بیست سال مکرر راجع بلزوم تعلیمات عمومی اجباری مطالبی گفته و نوشته ام (صحیح است) چنانچه دلیل دیگری نخواهید راجع باینکه این لایحه تنظیمش مربوط به چند ماه پیش نیست بلکه از چندین سال پیش مورد توجه بوده است تذکر میدهم که تعلیمات عمومی اجباری جزو مرام اغلب احزاب و فرق بوده از جمله

در مرام جمعیت «ایران جوان» در بیست سال پیش نوشته شده (صحیح است) و من از همان زمان افتخار عضویت آن جمعیت را داشتم و هنوز هم دارم.

مجلس شورای ملی در دوره های مختلف مخصوصاً در دوره حاضر قوانین بسیار مفیدی وضع کرده است که بعضی از آنها در ترقی کشور و در تأمین آسایش مردم بسیار سودمند بوده است ولی آنچه امروز مطرح است از حیث تأثیری که در وضع و حال نسلهای آینده و در سر نوشت ملت ایران خواهد داشت بیسابقه و بینظیر میباشد.

در لزوم وفایده تعلیم و تربیت عمومی اجباری گفتنی بسیار است. آقایان موافقین محترم در این باب سخن خواهند گفت و توضیحات لازم خواهند داد بنده فقط یک نکته را تذکر میدهم و آن این است که حکومت دموکراسی لازم است تعلیمات عمومی اجباری است. اگر میخواهیم حکومت دموکراسی داشته باشیم باید اینکار را انجام دهیم. دوام و بقاء حکومت دموکراسی بسته باینستکه افراد آن جامعه پی بحقوق و تکالیف خود بپردازند و این امر حاصل نخواهد شد مگر اینکه افراد جامعه سواد خواندن و نوشتن و مختصر اطلاعاتی از تاریخ و جغرافیای مملکت خودشان و از تعلیمات مدنی داشته باشند همانطور که یکی از عوامل موقتی بقاء حکومت دیکتاتوری بیخبری و بی سواد مردم و جهل آنها از شخصیت و از حقوقشان است همانطور هم حکومت دموکراسی ذاتیش این است که افرادی بحقوق و وظائف خود بپردازند در غیر این صورت حکومت دموکراسی صوری و ظاهری است و حقیقت ندارد اصولاً در میان قومی بیسواد و عامی حکومت دموکراسی بوجود نمیآید و اگر آمد موقتی است و بزودی از بین خواهد رفت. ما دیگر نمیتوانیم سر نوشت ملت ایران را بدست افراد بسپاریم. اگر بتاریخ ایران مراجعه کنیم می بینیم که ادوار سیادت و عظمت این کشور همواره مقرون بوده است با فرمانروائی اشخاص با اراده و جدی ولی غالباً مستبد و خودرأی و باصطلاح امروزی دیکتاتور.

طباطبائی - سعادت دیکتاتوری را میفرمایند؟

وزیر فرهنگ - خیر ببخشید گفتم سیادت نه سعادت. باری همینکه این اشخاص از بین میرفتند ملت و مملکت دچار ضعف و انحطاط میشده است. دیگر شایسته نیست که چنین باشد. باید مردم خودشان خودشان را اداره کنند و عمل ترقی و سعادت خود باشند. خلاصه اینکه اگر میخواهیم حکومت دموکراسی داشته باشیم باید اینکار را انجام دهیم و این کار چنانکه الان توضیح خواهم داد شدنی است.

فرمودند اگر ما پول داریم و همت داریم بهتر است صرف تکمیل مدارس موجود و رفع نقائص آنها کنیم. همد آقایان بخوبی اطلاع دارند که در تمام ادارات کشور در فرهنگ و در مدارس و در جاهای دیگر نقائص و عیبهای موجود است که نمیتوان وجود آنها را انکار نمود و البته باید در رفع آنها هم همت گذاشت ولی اینکه اگر پول داریم و همت داریم همت را صرف تکمیل مدارس موجود نکنیم این منطق صحیح نیست آقایان.

برای اینکه طلب روشن بشود یک مثالی میآورم فرض بفرمایند تهران مصرف گندمش در روز ۳۰۰ تن باشد و ما بیش از ۷۰ تن گندم نداشته باشیم آیا مقتضی است که این گندم را با مواد دیگری از قبیل جو و ذرت و غیره مخلوط کنیم و یک نان مخلوطی که البته خیلی خوب نخواهد بود بدهیم بعموم افراد بخورند که از گرسنگی نمیرند یا اینکه آن ۷۰ تن گندم را نان خالص خوب بکنیم و بدهیم بیک عده معدود نونش جان کنند و بگذاریم بقیه از گرسنگی جان بدهند آیا این طریق دوم صحیح است؟ شك نیست که مخالف انصاف و عدالت است و امروز دیگر دنیا اجازه نمیدهد که ما هر چه داریم صرف یک عده معدود بکنیم همچنین است نسبت به مدارس صحیح نیست گفته شود تمام همت خود را صرف تکمیل مدارس موجود نمائیم. کف اطافها را مشمع یا موزائیک کرده بهترین کتابها و بهترین معلمان را بآنها بدهیم تا عده ای معدود تعلیم و تربیت نسبتاً کامل حاصل کنند ولی سایر افراد مردم و اکثریت اهالی کشور پشت در مدارس وقت را بانتظار بگذرانند یا چنانکه فرمودید در کوی و برزن بدوند و ما جا نداشته باشیم آنها را در

آموزشگاهها بپذیریم و مختصر سواد بآنها بدهیم اینجاست که باید گفت وجود ناقص به از عدم صرف است. ما باید همه کودکان را بکسب تربیت کنیم البته اگر بتوانیم همه را خیلی خوب تعلیم و تربیت دهیم چه بهتر و الا هم عقل و هم مقتضیات امروز جهان و هم انصاف و عدالت اقتضا میکند که همه افراد از این قوت روحی تا حد اقلی متساوی استفاده کنند همچنانکه از غذای جسمانی باید بهره متساوی ببرند بعبارت دیگر همانطور که ما ناچاریم همه افراد حد اقلی از غذای جسمانی برسانیم ناچار هستیم از این حد اقلی غذای روحی نیز بهره آنها بدهیم مدت را هم خیلی کوتاه نمایی فعلاً فقط چهار سال گرفته ایم زیرا وسائلی که در اختیار داریم بسیار محدود است.

این چهار سال در واقع حد اقلی است که برای تعلیم و تربیت ابتدائی کودکان ضرور میباشد این تعلیم و تربیت باید بآنها داده شود این حق خدادادشان است (طباطبائی - که حتماً نان سیلو بخورند؟)

اما راجع باین موضوع که آیا امروز موقع مناسب است برای اینکه ما دست باین کار بزنیم و اگر مناسب است یا نه همت و پول آنرا داریم یا نداریم؟ باید عرض کنم که عده ای از آقایان در خارج هم میفرمودند که ما امروز با این گرفتاریهای متعددیکه داریم و با اینکه از حیث معیشت در مضیق هستیم چه ضرورت دارد راجع بتعلیمات عمومی اجباری صحبت کنیم و فعلاً موقعت نیست و بهتر است بماند برای روز گزافی بهتر. در اینجا ناچارم آقایانرا توجه بدهم باین که در کشورهاییکه گرفتاریهایشان خیلی بیش از ماست و حتی در جاهائی که مردمان هر آن در معرض این خطر هستند که هوا بیما بیاید و بمب روی سرشان بریزد و بنابراین باید در فکر زمان حال خود باشند در چنین کشورها در فکر فردای خود هم هستند و برای اصلاحات اجتماعی و فرهنگی بعد از جنگ نقشه ها میکشند و طرحها میریزند. در این صورت آیا مقتضی است که ما چون اندکی در مضیق و فشار هستیم بگوئیم باید صبر کرد تا وضعیت بصورت عادی برگردد و مثلاً کفش از جفتی ۵۰ تومان و صد تومان دو مرتبه بشود

جفتی پنج تومان یا ده تومان و باید صبر کرد تا موقعیکه بتوانیم شکم را با گندم خرواری ۳۰ تومان و روغن یک من سه تومان سیر کنیم و آنوقت گردهم نشسته بگوئیم « راستی بد نیست فکری هم برای تعمیم تعلیمات ابتدائی بکنیم و برای این کار نقشه‌های بکشیم... آیا چنین چیزی منطقی است... ما باید بوسیله همین تعلیمات عمومی وضع خود را اصلاح کنیم و روز آسایش و رفاه را برای خود تهیه نماییم. برای کار خیر هر موقعی مناسب است و اگر عقیده باطنی بنده را بخواهید صریحاً میگویم که اگر این بدبختیها و بدبختیهای که امروز دچارش هستیم ده یا بیست برابر این بود که هست و اگر خدای نخواستہ قحط و غلا و بیماریهای گوناگون هر روز هزارها تن از افراد را از پای درمیآورد و بیدار نیستی میفرستاد و اگر ناامنی در تمام راهها برقرار بود و قشون بیگانه بعنوان دشمن نه بعنوان دوست تمام کشور را فرا گرفته بود و اگر هزار نوع بدبختی دیگر هم بر آنچه گفته شد ضمیمه میگردید و بنده هم بواسطه گرسنگی یا بیماری یا بواسطه تالم روحی و یا بواسطه مجموع این بلاها در حال جان دادن بودم و از من میپرسیدند برای اصلاح امر چه باید کرد در همانحال میگفتم: « باید تعلیم و تربیت را در ایران عمومی و اجباری کرد » زیرا عقیده دارم که بدبختیهای گذشته ما و بدبختیهای امروز ما و بدبختیهای که بان اشاره کردم و امیدوارم که خداوند ما را از آنها محفوظ بدارد همه نتیجه بیخبری و جهل عامه مردم است.

حالا باید دید آیا ملت ایران از عهده چنین امر خطیری در مدت نسبتاً کوتاه ده سال بر خواهد آمد یا نه؟ اینکار هم پول میخواهد و هم همت. برای من مسلم است که مات ایران هر دورا دارد. این را میگویم و دلیلش را هم میآورم. یک دلیل کافی است و آن حسی و انگار نشدنی است.

در هفده سال پیش از این اگر کسی راجع براه آهن سراسری ایران سخن میگفت باو میخندیدند. خودی و بیگانه. داخلی و خارجی همه غیر ممکن میدانستند که ایران بتواند این راه دور و دراز و پست و بلند و پرپیچ و خم را خط آهن بکشد ولی در عمل دیدیم که این معجزه را صورت

داد و این کار عظیم پرخرج را همین ملت یقه چر کین که نان حسابی نمیخورد و پوشاک درستی ندارد تا دینار آخر بایول خود بیابان رسانید. این کار یکی از شاهکارهای صنعتی دنیا برد. البته بکنفر هم بود که همت کرد و استقامت بخرج داد ولی پول را همین مردم دادند و غالباً بطیب خاطر هم نمیدادند زیرا بسیاری افراد بحسن انتخاب راه و احیاناً باراه آهن بطور کلی معتقد نبودند. در صورتیکه راجع بتعلیمات عمومی اجباری ۵۰ مرده این کشور همان مردم بیسواد، همان مرد کاسب سبزی فروش ملتفت لزوم آن شده‌اند و هر روز التماس میکنند اطفال خود را بمدرسه بگذارند و ما نمیتوانیم دعوت آنها را اجابت کنیم زیرا مدرسه نداریم و وسیله نداریم... پس شك نیست که در این مورد ملت ایران از روی رضا و رغبت مخارج اجرا کردن این قانون و انجام این امر ملی را که از هزینه ساختن راه آهن خیلی کمتر است بخواهند پرداخت و این کار را خواهند کرد. راجع بهمت و استقامت هم نباید فراموش کرد که آن کسی که آن همت را بخرج داد فردی از افراد همین ملت بوده از خارج نیامده بود. همت و استقامتی را که يك تن از افراد این ملت بروز داده چگونه تمام ملت بروز نخواهند داد؟ فقط افراد نیستند که همشان آنها را بجائی میرساند ملت‌ها هم مشمول همین اصل میباشند و البته ملت ایران کارهای بزرگتر از این را هم انجام خواهد داد بنده پیش از این تصدیق نمیدهم و چون مطالب دیگری که فرمودند مربوط بکلیات نبود بلکه راجع بمواد بود هر کدام را در موقع خودش جواب عرض خواهم کرد (صحیح است - احسنت)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی گرفته میشود به ورود گزارش مواد آقایان موافقین برخیزند (اکثر قیام نمودند تصویب شد).

[۵ - موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه]

چون پیشنهاد ختم جلسه شده است بقیه مذاکرات میماند برای جلسه بعد.

جلسه آینده روز یکشنبه اول خردادماه چهار ساعت قبل

از ظهر دستور هم همین لایحه

[مجلس ۱۰ دقیقه قبل از ظهر ختم شد]

رئیس مجلس شورای ملی - حسن استند یاری

قانون

اجازه تأسیس بنگاه آبیاری

ماده ۱ - برای توسعه و اصلاح امور آبیاری کشور بنگاه مستقلی تحت نظارت وزارت کشاورزی بنام بنگاه مستقل آبیاری تأسیس میشود.

ماده ۲ - دولت مکلف است از سال ۱۳۲۲ تا سال ۱۳۳۲ سالیانه مبلغ ۴۵ میلیون ریال برای توسعه امور آبیاری در بودجه مخارج غیرمستمر کشور منظور داشته‌بده چهار قسط متساوی در ۱۵ فروردین - ۱۵ خرداد - ۱۵ مرداد - ۱۵ مهر ماه هر سال در بنگاه کشاورزی و پیشه و هنر باختیار بنگاه مستقل آبیاری بگذارد.

ماده ۳ - هر مبلغ از این اعتبار سالیانه که در آخر هر سال بمصارف مندرجه در این قانون نرسد در سالهای بعد بدون اینکه بصرفه جوئی برود مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

ماده ۴ - بنگاه مستقل آبیاری موظف است ساختمانهای آبیاری و زه کشی که تا کنون نقشه های آنها حاضر شده یا سایر عملیات آبیاری را که در مدت ده سال بررسی آنها تکمیل و اجرای آنها لازم شده شود بهتر تیب الا هم فالاهم عملی نماید و سازمان مخصوصی جهت بررسی امور آبیاری در کلیه کشور تشکیل دهد تا بتدریج هر اقدامی که برای توسعه آبیاری ممکن باشد مورد بررسی کامل قرار گیرد و برای استفاده از آنها زیرزمینی و احداث چاه آرتزین متخصصین مخصوصی استخدام نماید که به مطالعات علمی پرداخته و همچنین در بنگاه تکمیل و نقشه های لازم تهیه شد شروع بعمل نماید.

تبصره ۵ - تشخیص تقدم و تأخر عملیات آبیاری در نقاطی که فاقد آبیاری هستند و استعداد زراعتی دارند هر سال بر حسب پیشنهاد وزارت کشاورزی و تصویب هیئت وزیران خواهد بود.

ماده ۵ - هر موقع که اشخاص یا مالکین بخواهند در نقطه عملیات آبیاری با زه کشی یا سد سازی وامثال آن به هزینه خود اقدام کنند میتوانند از بنگاه آبیاری تقاضای کمک فنی نمایند بنگاه مزبور موظف است بوسیله متخصصین خود محل منظور را معاینه و از احاطه امکان فنی مورد بررسی مقدماتی قرارداد و هزینه تقریبی آنرا نیز تعیین و به داوطلبان مراتب را اطلاع دهد و چنانچه متقاضی بخواهد اقدام و عملیات بمباشرت بنگاه کل آبیاری بشود سرمایه لازم را باید به بنگاه پرداخته یا تعهد نماید و در صورتیکه کار باید بوسیله شرکتی انجام شود شرکت آنرا نیز تأسیس نمایند پس از آنکه این اقدامات بعمل آمد و شرکت تأسیس و سرمایه فراهم شد بنگاه آبیاری موظف خواهد بود به هزینه خود نقشه برداری کامل و تهیه طرح های لازم و دفاتر فنی را انجام داده و برای بندگان بشخص یا شرکتی که تعهد انجام عمل را نموده واگذار نماید.

تبصره ۵ - لزوم و مورد بودن تقاضای هر شخص یا مالکی باید قبلاً از طرف اداره کشاورزی محل بررسی و تصدیق شده باشد هزینه مسافرت کارشناس برای بررسی ملک مورد تقاضا بمعهده تقاضا کننده خواهد بود.

ماده ۶ - بنگاه مستقل آبیاری میتواند بهاء آب زمین هائیکه بخرج خود یا شرکتها و برائز عملیات آبیاری و زه کشی مشروب میشوند طبق ارزش و قیمت معمول در هر محل با رعایت حال کشاورزان دریافت نماید.

در مواردی که از آب برای مشروب کردن شهرها یا کارهای غیر زراعتی از قبیل آسیاب و آبدنگ و تولید نیروی برق وغیره استفاده شود بهاء آب به تراضی بنگاه آبیاری و مصرف کننده تعیین و وصول خواهد شد.

ماده ۷ - در آمد حاصل از تأسیسات آبیاری برای توسعه آبیاری کشور اختصاص داده میشود از حیث جمع و خرج علاوه بر اعتبار مصوب در این قانون در بودجه سالیانه کشور هر سال منظور خواهد کرد بدور خانمه مدت ده سال آنچه از این حساب بابت اصل سرمایه یا در آمدهای سنواتی باقی بماند برای توسعه آبیاری و زه کشی بطریق مذکور در ماده ۲ به بنگاه مستقل

آبیاری پرداخته خواهد شد .

ماده ۸ - از درآمد هر گونه عملیات آبیاری و زدکشی کسب بطریق مذکور در ماده ۶ و صوب بشود ۱۰ درصد برای اصلاح و ترفید زندگانی دهقانان خاصه امور بهداشت و فرهنگی آنها و اصلاحات کشاورزی در همان حوزه بمصرف خواهد رسید و وزارتخانه های مربوط ترتیب اجرای این عمل را با بنگاه آبیاری خواهند داد .

ماده ۹ - بنگاه مستقل آبیاری مکلف است برای انجام عملیات آبیاری یا زدکشی هر نقطه شرکتهائی ببلش مراد بنگاه و سرمایه مالکین تشکیل دهد .

ولی چنانکه پس از خاتمه عمل مالکین یا اشخاص دیگری حاضر باشند که تمام یا قسمتی از سهام دولت را خریداری نمایند بنگاه آبیاری مجاز است با تصویب هیئت وزیران سهام خود را بمصرف فروش برساند و مبلغ حاصله از فروش سهام را نیز طبق مساعده هفت برای امور آبیاری تخصیص دهد . در خرید سهام مالکینی که از آب استفاده میکنند حق تقدم خواهند داشت .

و همچنین بنگاه آبیاری میتواند سهام شرکاء دیگر را با رضایت آنها از محل اعتبارات آبیاری خریداری نماید ؛ بهای آبی که از طرف شرکت ها باید وصول شود طبق ماده ۶ توسط بنگاه آبیاری تعیین و شرکتهای بهیچوجه حق تجاوز از آن میزان را نخواهند داشت .

چنانچه شرکت راجع بقیمت آب و مقررات تنظیمی آبیاری تخلف نماید بنگاه آبیاری میتواند تمام سهام را بخود منتقل نموده و قیمت سهام را مطابق نرخ فروش اولیه بشرکت یا صاحبان سهام بپردازد .

ماده ۱۰ - نظارت در کلیه امور آبیاری کشور از قبیل تأسیسات آبیاری - ساختمانها تقسیم آب رودخانه ها و انهار عمومی و استخراج های عمومی و چشمه سارهای عمومی که آب آنها بمصرف زراعت میرسد با رعایت قانون مدنی بمقدار حقابه و مطابق معمول محل بعهده بنگاه آبیاری است .

ماده ۱۱ - برای حسن جریان و تنظیم و تقسیم آبها و نگاهداری سدها و مخزن ها و انهار عمومی و آب بند آنها و استخراجها و قنوتانی سکه صاحبان متعدد دارند بنگاه آبیاری مجاز است هیئت هائی از مالکین و حق آبه برها تشکیل دهد و صندوقهای مخصوصی برای تأمین این منظور ایجاد نماید . کلیه مالکین و حق آبه برها موظف خواهند بود به نسبت آبی که از آن استفاده میکنند یا مالک هستند سالیانه مبلغی بمیزانی که به تشخیص این هیئت ها معین خواهد شد به صندوق مزبور بپردازند تا در موارد لزوم تحت نظر خود هیئت ها به مصرف مرمت سدها و انهار و ساختمان مقسورها و تعمیر قنوت و غیره برسد پرداخت هر مبلغ هزینه از این محل جز برای انجام منظور مذکور در این ماده ممنوع است و اوایدیکه از این باب از مالکین و حقابه برها حاصل میشود صرفاً صرف مرمت منابع آبیاری همان املاک خواهد شد .

تبصره - مخارج تعمیر قنوت فقط تحت نظر مالک یا هیئت منتخبه مالکین بعمل خواهد آمد

ماده ۱۲ - در صورتیکه مالکی تا دو ماه از اخطار بنگاه آبیاری از پرداخت سهمیه مذکور در ماده ۱۱ استنکاف نماید بنگاه آبیاری مجاز است از اعتبارات آبیاری سهمی او را به صندوق پرداخته و مبلغ پرداختی را بانضمام سود صدی دوازده بعلاوه صدی ده جریمه تأخیر پرداخت استیفا کند .

ماده ۱۳ - نسبت به قنوت دائر و بائر و مجاری میاه و اراضی مستعد برای احداث قنوت جدید که صاحبان متعدد دارند در مواردی که دائر کردن يك قنات بائر و یا تنقیه یا ازدیاد آب يك قنات دائر از قبیل گندن چاهای تازه و بغل بر ضرورت پیدا نماید به محض تقاضای مالک یا مالکین يك دوازدهم آب قنات بنگاه آبیاری باید در صدد باز جوئی برآمده .

اولاً - تشخیص دهد که عملیات مورد تقاضا لازم یا مفید میباشد .

ثانیاً - معین کند اقدامات از لحاظ فنی ممکن بوده و مطابق قانون مدنی مزاحم قنوت دیگر نباشد .

سپس مراتب را به مالکین عمده کتباً و یا بوسیله درج در گزینی از روزنامه های کثیرالانتشار و الصاق اعلان در محل بخورده مالکین اخطار نماید .

مالکین تا به برده موظف هستند در مدتی که کارشناس معین میکنند و در هر صورت از دو ماه از تاریخ اخطار تجاوز نخواهد کرد نسبت به عمران قنات خود اقدام نمایند چنانکه يك یا چند نفر از آنها نتوانند یا نخواهند در ظرف مدت مزبور در قنوت خود اقدام بکار کنند بنگاه آبیاری مکلف است که بلافاصله کار قنوت مزبور را بشربك یا بشربكائی که تقاضا نموده اند واگذار کرده و خود نسبت بکار آن نظارت نماید و سهمی متمتعین را از اعتبارات آبیاری بپردازد ریس از انجام کار طلب خود را بانضمام سود صدی دوازده بعلاوه صدی ده جریمه تأخیر تأدیه از متمتعین مطالبه و دریافت دارد .

در صورت تخلف برای هر ماه تاخیر صدی يك از مجموع مطالبات نامبرده جریمه تعلق خواهد گرفت و چنانکه تا قبل از بدست آمدن اولین محصول متمتع مضر به پرداخت دین خود نشود بنگاه آبیاری مجاز خواهد بود در رأس اولین محصول و محصول های بعدی عین جنس را که بشرخ رسمی تعیین میشود بابت مجموع طلب خود با اضافه هزینه که بان تعلق میگردد مستقیماً بوسیله مقامات صلاحیت دار دریافت دارد .

تبصره - نسبت بدرآمد حاصل از این قبیل موارد نیز طبق ماده ۷ عمل خواهد شد .

ماده ۱۴ - بنگاه آبیاری مشمول ماده ۴ قانون متمم بودجه سال ۱۳۲۱ سازمان خود را تشکیل و معاملات خود را طبق اصول بازرگانی انجام خواهد داد .

علاوه بر کلیه اعتبارات اداری و آبیاری منظور در بودجه و نظارت کشاورزی و قانون متمم بودجه سال ۱۳۲۱ بنگاه آبیاری میتواند تا صدی ۵ از اعتبار منظور در ماده ۲ برای مصارف اداری و پرسنلی استفاده کند

ماده ۱۵ - وزارت کشاورزی آئین نامه های مربوط باین قانون را تا دو ماه تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بلافاصله بموقع اجرا خواهد گذاشت .

این قانون که مشتمل بر پانزده ماده است در جلسه بیست و نهم اردیبهشت ماه پانزده هزار و سیصد و بیست و دو بتصویب مجلس شورای ملی میرسد

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندریاری